

هدف ترامپ از آرایش نظامی علیه تهران بررسی شد

# اول تهدید برای مذاکره دوم اقدام نظامی

ترامپ می خواهد از طریق استقرار نیروهای نظامی در نزدیکی مرزهای دریایی ایران، پیام معتبری به ایران بفرستد تا ایران در چارچوب دیپلماسی مشکلات خود را با آمریکا حل کند، اگر دیپلماسی جواب ندهد، ترامپ متوسل به اقدام نظامی خواهد شد.
شاید در ظاهر چنین به نظر برسد که افزایش حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس و مخصوصا ورود تدریجی ناو هواپیمابر آبراهام لینکلن به خلیج فارس نشانه روشنی از زود هنگام بودن حمله نظامی به ایران باشد.

شرح در صفحه ❖

غربی‌ها از تحمیل قطعنامه حقوق بشری علیه ایران چه اهدافی را دنبال می‌کنند؟

## آثار بلندمدت

## محکومیت تهران در

## نهادهای بین‌المللی

صفحه ❖

فجر در سال‌های سخت چگونه به حیات خود ادامه داد؟

## امتداد

## در دل

## التهاب

صفحه ❖

پارلمان ایران خطاب به پارلمان اروپا

## نمی‌توانید از

## پاسخگویی

## شانه خالی کنید

صفحه ❖

#### خبر

### سند مالکیت مجموعه بزرگ ورزشی آزادی به وزارت ورزش و جوانان اهدا شد

در مراسمی با حضور رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و وزیر ورزش و جوانان، سند مالکیت مجموعه بزرگ ورزشی آزادی پس از ۵۲ سال صادر و تحویل شد.

به گزارش ایسنا به نقل از قوه قضاییه، در ادامه نهضت صدور اسناد و تثبیت مالکیت املاک و اراضی کشور، صبح امروز یکشنبه، پنجم بهمن ماه ۱۴۰۴، سند مالکیت مجموعه بزرگ ورزشی آزادی، صادر و تحویل وزارت ورزش و جوانان شد.

حسن بابایی، رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در آیین اهدای این سند گفت: شناسایی و تثبیت مالکیت املاک و اراضی دولتی یکی از برنامه‌های محوری سازمان ثبت است.

وی اظهار کرد: در حال حاضر قریب به ۱۱۴ هزار ملک دولتی فاقد سند است که از این تعداد قریب به ۹ هزار قطعه مربوط به وزارت ورزش و جوانان است. بابایی افزود: فرآیند صدور سند برای مجموعه بزرگ و ارزشمند ورزشی آزادی، با برگزاری چندین جلسه کارشناسی و پیگیری شخص وزیر ورزش به نتیجه رسید و این خبر خوشی برای مجموعه‌های اقتصادی و سرمایه گذاران ورزشی است، ضمن اینکه به لحاظ حقوقی و تعارضات نیز مشکلات قبلی این مجموعه رفع می‌شود.

رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ادامه داد: صدور سند موجب امنیت

حقوقی، اقتصادی دستگاه‌ها و مانع از بروز دعاوی احتمالی می‌شود.

بابایی گفت: اقدام بزرگ صدور سند برای مجموعه ورزشی آزادی با همکاری دیوان محاسبات کشور و تلاش کارشناسی اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران میسر شد.

رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در ادامه افزود: امیدوارم سایر دستگاه‌ها نیز با الگو گرفتن از دستگاه‌های پیشرو، نسبت به تعیین تکلیف املاک و اراضی خود اقدام کنند.

وی تعیین تکلیف اراضی و املاک دولتی را وظیفه اداری تمام دستگاه‌ها عنوان کرد و عدم اقدام برای اینکار را مصداق ترک فعل و ورود دستگاه‌های نظارتی و بازرسی عنوان کرد.

دنیامالی، وزیر ورزش و جوانان نیز در سخنانی ضمن تقدیر از اهتمام سازمان ثبت برای صدور اسناد دولتی به ویژه صدور سند برای مجموعه ورزشی آزادی گفت: با نگاه بسبیطی که مجموعه اسناد داشتند با یک تعامل خوب، بعضی از اقداماتی که سالیان گذشته مغفول مانده بود، از جمله صدور سند مالکیت به نتیجه رسید.

دنیامالی افزود: وزارت ورزش ۱۱ هزار ملک در اختیار دارد و از ابتدای دولت چهاردهم تلاش برای تثبیت مالکیت این املاک و اراضی به طور جد در دستور کار قرار گرفته و در یک سال اخیر، حدود ۱۵ هزار املاک این وزارتخانه با استفاده از ظرفیت‌های قانونی دارای سند مالکیت شده‌اند.

وی ادامه داد: مجموعه ورزشی آزادی ۲۷۰ هکتار است و نگاه دولت به این مجموعه، استفاده کامل از ظرفیت‌های آن در همه ورزش‌ها به ویژه احداث کمپ‌های پیشرفته برای رشته‌های ورزشی المپیکي است.

وزیر ورزش و جوانان عنوان کرد: در کشورهای پیشرفته، یکی از سازوکارهای ایجاد پشتوانه مالی برای ارزش پول ملی، استفاده از ظرفیت املاک دولتی است و از این نظر اقدام سازمان ثبت در راستای تقویت پول ملی است و هم اکنون در وزارت‌خانه‌های مربوطه این مساله در حال پیگیری است.

دنیامالی تصریح کرد: اقدامات سازمان ثبت در راستای توسعه اقتصادی کشور مهم و ارزشمند است و موجب ثبات اقتصادی می‌شود. او در پایان تأکید کرد: همکاری همه‌جانبه با سازمان ثبت در خصوص تثبیت مالکیت املاک و همچنین سایر امور مربوط به ثبت از جمله مالکیت معنوی و ثبت علائم و نشان‌ها خواهیم داشت.

در ادامه این آیین؛ در نشست با حضور معاونین سازمان ثبت اسناد و املاک و وزارت ورزش و جوانان، گزارشی از اقدامات صورت گرفته در خصوص مستندسازی املاک و اراضی وزارت ورزش و برنامه‌های آتی مورد بحث و گفت‌وگو قرار گرفت.

با توجه به اقدامات صورت گرفته شده، مقرر است تا پایان سال ۲۰۰۰ سند املاک و اراضی وزارت ورزش در سراسر کشور صادر و تحویل شود.

دوشنبه ۶ بهمن ۱۴۰۴

۶ شعبان ۱۴۴۶

۲۶ ژانویه ۲۰۲۶

سال بیستم

شماره ۶۱۰۸

۸ صفحه

۳۰۰۰ تومان

# اثرات بازرگانی

نظری مالکی می‌تواند چراغ‌افروخته ایران و آمریکا را در چنگ‌های مندی پیت کند؟

## اثرات بازرگشت

## نظری مالکی

## به قدرت

صفحه ❖

خارج و وارد فاز تقابل سیاسی مستقیم با ایران شده است؟

این روزها شاهد شکل‌گیری خط تبلیغاتی در سطح بین‌المللی هستیم که مدعی ضعیف شدن ایران است و همزمان در کنگره ایالات متحده هم جریان‌سازی با همین محتوا به خصوص توسط لابی اسرائیل انجام شده‌است، همه این خط‌های تبلیغاتی بر این گزاره تأکید می‌کنند که ایران در ضعیف‌ترین موقعیت خود قرار دارد و این شرایط را به نارضایتی‌ها و اعتراض‌های داخلی اخیر البته تحولات پیشین خاورمیانه از جمله آنچه پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ در غزه، لبنان و سوریه رخ داد، منتسب می‌کنند.

همچنین در همین چهارچوب مساله جنگ تحمیلی ۱۲ روزه نیز مطرح است که البته در آن جنگ، ایران به خوبی پاسخ تجاوز صورت گرفته را داد تا جایی که ایالات متحده درخواست آتش بس داد و برخی در ایران نیز این انتقاد را مطرح کردند که چرا تهران درخواست آتش بس را پذیرفت آنهم در شرایطی که اوضاع به نحوی بود که می‌توانستیم لطمات بیشتری به رژیم صهیونیستی بزینم و بازدارندگی بیشتری برای تداوم توقف آتش، ایجاد کنیم.

هرچند این تحلیل هم وجود داشت که تداوم حملات ایران

می‌تواند بهانه را برای ورود بیشتر آمریکا به جنگ مهیا کند و

در نهایت ملاحظه‌های مختلف بر این تصمیم که آتش بس

پذیرفته شود، متمرکز شد. بنابراین منظور از تحولات پس از

اکتبر ۲۰۲۳، این مختصری بود که توضیح دادم.

در جدیدترین تحول رخ داده شاهد اعتراضات مردمی

تحت فشار اقتصادی و معیشتی و برخی انتقادات بودیم

که در روزهای نخست از سمت حاکمیت نیز به رسمیت

بی بی چه در سر دارد؟

## اهداف شوم اسرائیل برای تجزیه ایران

شناخته شد و حتی مقرر شد تا با معترضان گفت‌وگو و مشکلات شنیده شود. با این حال جریان اعتراض‌ها به خشونت کشیده شد و ارزیابی حکومت این است که اعتراض‌های مسالمت‌آمیز اولیه با هدایت خارجی از مسیر خود خارج شد. همزمان نمی‌توان این نکته را ناگفته گذاشت که قطع سراسری اینترنت بین‌المللی نیز به ابهام‌ها افزود.

در نتیجه مجموع این شرایط، میدان برای تبلیغ‌های خارجی و فعالیت نهادهای ضدایرانی باز شد تا روایت ضعیف ایران را مطرح و برجسته کنند. در نتیجه غرب به

این سمت حرکت کرد تا مداخلات خود را با پوشش و ابزار حقوق بشر توجیه کند. در این فضا شاهد همدستانان اروپا با ایالات متحده بودیم. این در شرایطی است که اروپا در موضوع‌های دوجانبه خود در بدترین شرایط با آمریکای ترامپ به سر می‌برد که ناشی از ادعاهای کاخ سفید نسبت به گرینلند و مساله اوکراین و تعرفه‌های تجاری است که اختلافات جدی را میان اروپا و آمریکا به وجود آورده است. مناسقاته در فضاچندسال اخیر، ایران نتوانست اختلاف‌ها با اروپا را که در نتیجه جنگ اوکراین شکل گرفته بود، ترمیم کند و اروپا، ایران را به عنوان دشمن مستقیم خود تلقی کرد که در کنار روسیه علیه امنیت این قاره قرار گرفته و نتیجه هم اسنبهک فعال شد و هم شاهد رویکرد خصمانه رهبران اروپا در این مقطع زمانی هستیم. کشورهای اروپایی به این نتیجه رسیده‌اند که مجموع شرایط پیرامون ایران، بهترین موقعیت تقابلی را برای آنها ایجاد کرده لذا آن‌ها در حال دامن زدن به این ادعا هستند که ایران در مقابل مردم

#### گفتمان بشردوستانه؛ وسیله‌ای برای توجیه جنگ‌افروزی آمریکا در غرب آسیا

واقع سیاست آمریکا باید در چارچوب بسیار گسترده‌تری درک شود-رقابت میان قدرت‌های بزرگ، ساحت نظم منطقه‌ای در غرب آسیا و حفظ موقعیت راهبردی اسرائیل.

ایران در این زنجیره یک مسئله حقوق بشر یا مسئله‌ای هسته‌ای نیست؛ یک جایگاه کلیدی راهبردی در محل تلاقی مسیر رقابت چندین قدرت بزرگ است.» نگارنده معتقد است: «ایران از نظر واشنگتن بازیگری است که نظم ایجاد شده از سوی آمریکا در منطقه را از طریق نفوذ منطقه‌ای خود، مخالفت ساختاری با حضور نظامی آمریکا، اتحاد راهبردی با روسیه و چین و جایگاه ژئوپلیتیکی آن که هم کریدورهای انرژی و هم مسیرهای اتصالات شرق-غرب را تحت تأثیر قرار می‌دهد به چالش می‌کشد.»

ایران در جهانی که رهبرد امنیت ملی آمریکا به طور فزاینده‌ای با "رقابت میان قدرت‌های بزرگ" تبیین می‌شود، دیگر نه یک مسئله منطقه‌ای، بلکه بخشی از این صفحه شطرنج جهانی است.»

در این مطلب مطرح شد: روابط در حال رشد ایران و چین، به‌ویژه در حوزه اقتصادی و انرژی به معنای این است که ایجاد ثبات در جایگاه ایران و عادی‌سازی ایران می‌تواند منجر به تقویت جایگاه راهبردی چین در یکی از حساس‌ترین مناطق جهان شود. به همین دلیل است که فشار بر ایران نقشی دوگانه دارد؛ تضعیف یک بازیگر منطقه‌ای غیرپایبند و محدودسازی فضای راهبردی در دسترس برای رقیب جهانی اصلی آمریکا.

ضیائی معتقد است که گفتمان «حمایت از مردم» بیش از آن که اعلام اهداف واقعی باشد، توجیهی قانونی و اخلاقی است.

در این یادداشت مطرح شد: تحریم‌های جامع حتی با ادعای «هوشمندانه» یا «گزینشی» بودن، تأثیری ساختاری بر کل جامعه تحمیل می‌کنند، از جمله تورم

پیش‌بینی بازار مسکن تا پایان سال ۱۴۰۴

### وضعیت بازار اجاره چگونه

### خواهد بود؟

صفحه ❖



مقاله



### عمل در بی‌عملی و محافظه‌کاری در بحران

«او رفت. او برای من رفت. من باید انتقام بگیرم. راه او باید پر رهرو باشد.» این حس انتقام، به سادگی ما را طعمهٔ جریان‌ها و پروژه‌های سیاسی می‌کند. شریعتی آن را همچون موقعیت سربازی ترسیم می‌کند که نمی‌داند برای چه کشته می‌شود. مضمون بسیاری از آنچه امروز منتشر می‌کنیم، رنگ انتقام دارد. اما پشت این هیجان، چه کسی بهره می‌برد؟ این روایت، نه جریان حاکم که جریان دیگری را تقویت می‌کند. این دقیقه را فراموش نکنیم.

منافع جریان‌های سیاسی

ما نویسندگان کتاب سیاسی نیستیم، رئیس‌جمهور نمی‌شویم، و از مزایای قدرت بی‌درنگ بهره نمی‌بریم. ما گزینه‌های سیاست را تعیین نمی‌کنیم. این منافع جریان‌های سیاسی است که نه تنها سیاست، که چه‌بسا «حقیقت» را نیز می‌سازند. هر جرایمی برای توجیه منافع خود، روایتی از حقیقت می‌آفریند. شناخت این مکانیسم، به ما کمک می‌کند عمل سیاسی خود را آگاهانه‌تر، در جایی خرج کنیم که جریان درست‌تر را تقویت کند، نه بازیچهٔ تأیید روایت دیگران شویم.

فاعل هیچ‌گاه صرفاً فرد نبوده است

فرد به تنهایی قابلیت اجتماعی ندارد، زیرا عمل سیاسی و تاریخی، زائیدهٔ حیات جمعی است. قیام زمانی رخ می‌دهد که زمینهٔ اجتماعی آن فراهم باشد. شتابزده‌گی تنها قربانیان بیشتری می‌گیرد. عمل انفرادی زودهنگام، محکوم به ناهی است. با این حال، به یاد داشته باشیم: فرد اگرچه فاعل مطلق نیست، اما شرط ضروری هر فاعلیتی است. این زیست جمعی افراد است که ساختارها، فرایندها و امر سیاسی را پدید می‌آورد.

ادامه در صفحه ❖

و کمبود داروهای ضروری در فرسایش سطح زندگی. گفتمان جدا دانستن «مردم» از «دولت» بیش از آن که واقعیت داشته باشد ابزاری سیاسی است، چرا که فشار اقتصادی گسترده زندگی میلیون‌ها شهروند را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هدف نهایی این فشار صرفاً تغییر یک سیاست خاص نیست، بلکه ایجاد فرسایش داخلی و بازتنظیم رابطه دولت و جامعه است-پروژه‌ای که می‌توان آن را نوعی «مهندسی اجتماعی بیرونی» خواند، نه اقدام بشردوستانه.

تجربه عراق و افغانستان برای درک این رویکرد گریزناپذیر است. جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ با شعار نجات مردم و شبکه پیچیده روابط منطقه‌ای است. هرگونه بی‌ثباتی گسترده در ایران پیامدهایی فراتر از مرزهایش خواهد داشت، از جمله اختلال در بازار انرژی تا ناامنی منطقه‌ای. راهبرد «فشار حداکثری» دولت ترامپ اگرچه فاقد بلندپروازی‌های «ملت‌سازی» گذشته است اما بر اجبار و انزوا تمرکز دارد. این راهبرد دو قطب مخالف دارد-از یک سو شعار «صلح از طریق قدرت» و از سوی دیگر، تهدید آشکار یا پنهانی و استفاده از زور. این تناقض کلاسیک دیپلماسی قهری است- این رویکرد در تناقضی کلاسیک گرفتار است: فشار برای جلوگیری از جنگ می‌تواند خود مسیر تشدید تنش و برخورد ناخاسته را هموار کند.